

HAJAMA

Sympathisanten der revolutionären
Bewegung Afghanistans

هواداران جنبش انقلابی مردم افغانستان (هجاما)

جنایات ضد بشری متجاوزین اشغالگر را در افغانستان محکوم می کنیم

هفت سال قبل آنگاه که مردم افغانستان تازه از جهنم حاکمیت طالبان رهایی یافته بودند، امیدوار بودند تا پس از سالهای طولانی جنگ و تباهی به صلح شرافتمندانه و زندگی آبرومندانه دست خواهند یافت. اما با گذشت هر روز از اشغال کشور توسط قوای متجاوز خارجی و در رأس آن امپریالیسم جنایتکار امریکا - آرزوی رسیدن به صلح و امنیت، آزادی ملی، دموکراسی مردمی و عدالت اجتماعی، رنگ باخته و اینک با عملکرد های جنایتبار اشغالگران امریکایی به یأس کامل مبدل گشته است.

اکثریت قریب به اتفاق مردم طی هفت سال گذشته، همچنان فقط استبداد و زورکویی، فقر، بی خانمانی و آوارگی، تجاوز به حریم انسانی و نادیده انگاشتن حقوق او لیه بشری را زیر پرچم فریبنده حاکمیت دموکراسی لیبرال تجربه کرده اند. ایالات متحد امریکا با قبضه کردن سکان قدرت در افغانستان، اداره کشور را با ایجاد دستگاه دولتی خودخواسته و خودساخته از طریق نمایشات انتخابی گویا به مردم افغانستان واگذار نموده است. ترکیب و ساختار قدرت و نحوه عملکرد آن نسبت به مردم و چگونگی رابطه آن با اشغالگران در طول چند سال گذشته نشان داده است که این اداره مستعمراتی نتوانسته است چیزی بیش از وسیله پیشبرد اهداف قوای اشغالگر در کشور بخون نشسته افغانستان باشد. عناوین و القاب ملی و مستقل اعم از حاکمیت ملی، شورای ملی، ارتش ملی و کمیسیون های چندگانه مسما به مستقل و غیره همچون طوق لعنتی بر گردن حاملان آن سنگینی میکند. از عدالت انتقالی چیزی بجز انتقال قدرت به جنایتکاران معروف و حرفه بی چیزی دستگیر مردم نشده است. مبارزه با تروریسم بیشتر به چیره شدن حاکمیت ترور و اختناق در بسیاری از زمینه های زندگی مردم منجر شده و در سایه چنین وضعیتی، جنگ به اشکال دیگری ادامه یافته و مردم شهید افغانستان را که از جنگ های تجاوزی روس ها و مزدوران، جنگ های خانمانسوز تنظیم های جهادی و حاکمیت طالبانی در بیش از دو نیم دهه به ستوه آمده بودند، وارد مرحله جدیدی ساخته و قربانیان بیشماری را از مردم جنگ زده و بلا کشیده افغانستان بکام سیری نا پذیر جنگ و جنایت فرو برده است.

اشغالگران خارجی تحت رهبری امریکا با حضور در افغانستان، به بهانه مبارزه علیه تروریسم، طالب و القاعده - اهداف استراتژیک مشخصی را دنبال می کنند و افغانستان "بیساحب!" را نقطه اتکا تحرکات جیوپولیتیک و جیوستراتژیک خود تعیین نموده اند. ادعای اینکه افغانستان حیثیت خط مقدم جنگ علیه تروریسم را برای امریکا دارا می باشد، دقیقاً از اهمیت منطقی آن برای نظارت بر منابع انرژی آسیای میانه، کنترل قدرت اتمی پاکستان، وارد آوردن فشار بیشتر بر ایران، محدود ساختن تحرکات اقتصادی و سیاسی روسیه، چین و هند در مناطق مهم آسیای میانه و خلیج فارس و حضور اقتصادی بیشتر در بازار های وسیع منطقه ناشی میشود.

افغانستان یکبار دیگر به نقطه مهمی در جغرافیای سیاسی جهان و منطقه مبدل گشته است. فشار وارده بر مردم افغانستان از بابت حضور گسترده و بالفعل سیاسی و نظامی نمایندگان دول بیش از چهل کشور جهان به حدی است که بحران دوران تجاوز روس را بیاد میاورد که افغانستان را در محراق کشمکش های جهانی قرار داده بود. مردم مردم شهید و بلا کشیده افغانستان که برای طرد تجاوز روس ها بهای سنگینی را پرداخته اند، نه تنها به آزادی و دموکراسی دست نه یافته اند، بلکه اینک از حاکمیت مشترک امپریالیسم و ارتجاع بر سرنوشت شان بطرز وحشتناکی عذاب می کشند.

سیاست نظامی امریکا در مبارزه علیه تروریسم طالبان و القاعده در افغانستان نمی تواند جدا از اهداف ستراتیژیک آن مورد ارزیابی قرار بگیرد. امریکا میکوشد طالبان و القاعده را تحت کنترل خود درآورده و احیاناً در بازیهایی آتی از آنها سود جوید. حضور گسترده برادران ناتنی طالبان یعنی تنظیم های جهادی در ترکیب قدرت حاکمه افغانستان و کوشش های اخیر برای سهم دادن طالبان در آن از همین اهداف منشأ می گیرد.

عملیات نظامی امریکا در افغانستان به عنوان نیروی نظامی عمده و رهبری کننده که نه تنها در اراضی افغانستان از قدرت بی مانندی نسبت به شرکایش برخوردار است، بلکه تقریباً بطور انحصاری فضای افغانستان را با قوای هوایی پیشرفته تحت کنترل خود دارد، روز تاروز موجب تخریب قرا و قصبات افغانستان و نابودی صد ها و هزار ها انسان بی

دفاع هموطن ما می‌گردد. با گذشت بیش از هفت سال از آغاز جنگ علیه طالبان، بیشترین تلفات انسانی متوجه مردم ملکی افغانستان بوده است. هم نیروهای اشغالگر و هم طالبان مزدور برای رویکرد های نظامی خود بر حریم شخصی، جان و مال انسانهای بی دفاع کوچکترین ارزشی قایل نشده و در بسیاری موارد مرتکب جنایات هولناکی شده اند. سرکوب مخالفان مسلح و هدف قرار دادن یاعیان طالب بوسیله قوای هوایی امریکا سهلترین گزینه است که امریکاییان تا کنون در جنگ افغانستان از آن بهره گرفته اند. مسلماً طالبان همواره کوشیده اند از سپر انسانی استفاده جویند ولی بی توجهی قوای اشغالگر به تلفات انسانی عملیات هوایی که تا کنون موجب کشتار بیرحمانه هزاران هموطن بی دفاع ما شده است و به کرات و توالی اتفاق می‌افتد، جنایت ضد بشری است که خلاف تمام موازین بین المللی و عرف انسانی می باشد.

تلفات افراد ملکی و انسان های بی دفاع در عملیات قوای هوایی امریکا در منطقه "عزیزآباد" ولسوالی شیندند ولایت هرات نقطه عطفی بود که توجه افکار جهانی را بخود جلب نمود. درین حمله هوایی که حدود چهار هفته قبل بتاریخ 22 اگست سال جاری اتفاق افتاد 91 نفر انسان بیگناه و بی دفاع را به کام مرگ فرستاد و عده ای زیاد را زخمی کرد. عاملان این جنایت تا کنون از تایید ضمنی تلفات گسترده این واقعه جنایتبار هراس دارند. در حالیکه نمایندگی ملل متحد در افغانستان و دولت کابل تعداد تلفات ملکی 91 نفری را تأیید کرده اند. امریکائی ها هنوز اصرار دارند که 35 نفر طالب را درین حمله از بین برده اند و درین واقعه فقط پنج تا هفت غیر نظامی ممکن است تلف شده باشند. این در حالیست که آمار تلفات افراد ملکی در سال جاری در افغانستان که از دو طرف جنگ خسارت دیده اند سه برابر افزایش یافته است. کشتار انسان های بی دفاع بهر صورتی و از هر جانی که باشد، جنایت است. مردم بی دفاع افغانستان نه تنها از دموکراسی بادآورده امریکایی بیزارند چون آنها را با شکم های گرسنه به قبرستان می فرستند، بلکه از طالبان مزدور که در حاشیه قدرت و تنظیم های جهادی و ملیشه که در متن قدرت حاکمه علیه مردم افغانستان خنجر بدست گرفته اند، نفرت دارند.

برای مردم قهرمان و زخم خورده افغانستان، دموکراسی بدون حصول آزادی ملی و تأمین عدالت اجتماعی بزرگترین دروغ قرن بیست و یکم به شمار میرود. مردم افغانستان دوستان و دشمنان خود را به این محک می آزمایند.

دستان جنایتکار و اشغالگر امپریالیزم امریکا و شرکایش از کشور ما کوتاه باد!
مرگ بر ارتجاع طالبی و تنظیمی که بوی گند و تعفن شان فضای کشور ما را پر نموده است!
زنده باد آزادی!

پانزدهم سپتامبر 2008